

حقیقت غدیر

« ازفاضل محترم آقای محمد رضا حکیمی که از فضایل ورزیده حوزه علمیه مشهد هستند در بارهٔ عید غدیر مطالعات و بررسیهای کامل و قاطعی دارند خواستیم که بمناسبت تصادف انتشار نامه آستان قدس با عید سعید غدیر مقاله ای بنویسند و ایشانهم خوشبختانه خواست ماسرا پذیرفتند و مقاله ای بس مشروح و مستحکم نگاشتند ولی متأسفانه بعلمت دیر رسیدن مقاله و محدودیت صفحات مجله فعلا به درج بخشی از آن پرداخته و انتشار بقیه آنرا با اعتذار بوقتی دیگر موکول کردیم »

رابطهٔ وحی با غدیر

صحنهٔ ابدی غدیر بدست پیامبر اسلام و بماموریت وحی بر گزار گردید ، چه روز غدیر فرشته وحی بر پیامبر نازل شد و او را مأمور ساخت که در برگزاری مراسم تعیین وصی جدیت کند ، پیغمبر ص هم که بتصدیق تمام مذاهب اسلامی در رساندن احکام دین و امور تبلیغی معصوم بود ، و بنص قرآن کریم هر چه میگفت از طرف خداوند میگفت بدین امر اساسی اقدام کرد ، و بخش نهائی رسالت را ابلاغ نمود ، و سازمان تربیتی اسلام را بدست علی بن ابیطالب (ع) سپرد ، و مردم را به بیعت بسا وی و قبول موقعیت او فرمان داد ، در این مورد آیاتی چند نازل شد که وابسته بغدیر بود ، جریسان این داستان با کتاب خدا و آئین نامهٔ جاویدان اسلام بپیوست ، آیات مزبور بدیقت قرار است:

یا ایها الرسول بلغ... آیه ۶۷ سوره «۵» الیوم اکملت لکم دینکم ...

آیه ۲ سوره «۵» و سه آیه از آغاز سورهٔ معارج

در اینجا نام چند تن از علماء مفسرین اهل سنت که این آیات را راجع بغدیر و نصب حضرت علی علیه السلام بمقام امامت دانسته و در تفاسیر خود تصریح کرده‌اند ذکر میکنیم :

حافظ طبری ، حافظ ابن ابی حاتم ، حافظ محاملی ، حافظ ابوبکر فارسی ، حافظ ابن مردویه ، ابواسحاق ثعلبی ، حافظ ابونعیم ، ابوالحسن واحدی ، حافظ ابوسعید سجستانی ، حافظ حسکانی ، ابن عساکر ، فخر رازی ، حافظ رسعنی ، حموی ، بدر الدین عینی ، نیشابوری ، ابن صباح ، عبدالوهاب بخاری ، شوکانی ، آلوسی ، قندوزی ، شیخ محمد عبده ، خطیب بغدادی ، ابن منازلی ، خطیب خوارزمی ، صالحانی ، سبط ابن جوزی ، عمادالدین ابن کثیر ، حافظ ابوعبید هروی ، قرطبی ، وصابی ، زرنندی ، سمهودی ، ابوالسعود عمادی ، شریینی قاهری ، مناوی ، باکثیر مکی ، ابن عیدروس یمنی ، صفوری ، برهانالدین حلبی و ۰۰۰ (۱)

عید غدیر

بگفته دانشمند بزرگ ابوریحان بیرونی و ثعالبی و ابن طلحه و ابن خلکان و ۰۰۰ غدیر از اعیاد بزرگ اسلامی است که در روزگارهای گذشته ملل اسلامی جهان به بزرگداشت و تجلیل مراسم آن اهتمامی بسزا داشتند و در تجدید خاطرات سعادتبخش غدیر میکوشیدند . علامه امینی فصلی بعنوان « عیدالغدیر فی الاسلام » نگارش داده و در آن حدیثی از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده است که گفت : برترین عیدهای امت من روز عید غدیر است (۲) .

البته امروز باید رهبران افکار اجتماع دسراسر بلاد اسلامی با اهمیت موضوع بیشتر توجه کنند ، و با وسایل گوناگون این روز را که بحق باید روز شالوده ریزی عدالت عمومی نامید بافکار بشناسانند .

مدارک حدیث غدیر

ضیاعالدین مقبلی دانشمند سنی مشهور میگوید . « اگر حدیث غدیر ثابت و معلوم نباشد پس ابدا در دین اسلام ثابت و معلومی نیست (۳) آری مسلم بودن واقعه غدیر حقیقتی است انکار ناپذیر که بجز مقبلی عده دیگری بدان تصریح کرده اند و درالغدیر (ج ۱ ص ۲۹۴ - ۳۱۳) فصلی است بعنوان کلمات حول سند الحدیث « که در آن گفتار دانشمندان سنت راجع بصحت و تواتر غدیر گرد آمده است . بهر حال سراسر کتب حدیث و تفسیر و کلام و عقاید اهل سنت از ذکر غدیر و ماخذ و راویان آن مملو است ، و نایغه تحقیق و تتبع علامه امینی هنگامی که بذکر اسانید غدیر از کتب

۱ - الفدیر ج ۱ ص ۲۱۴ - ۲۶۶

۲ - آثارالباقیه ص ۳۳۴ ، الفدیر ج ۱ ص ۲۶۷

۳ - الفدیر ج ۱ ص ۲۸۳

عامه پرداخته است دریایی موج خیز بوجود آورده که کرانه وساحلیش نیست. وی این حدیث را از ۱۱۰ نفر از صحابه و ۸۴ نفر از تابعین و ۳۶۱ نفر از علمای بزرگ اهل سنت نقل کرده است ما اینک نام چند تن از آنان را از (الغدیر) نقل میکنیم:

راویان غدیر از صحابه

ابوبکر بن ابی قحافه ، ابی بن کعب ، اسامة بن زید ، انس بن مالک ، براء بن عازب ، جابر بن عبدالله ، اباذرغفاری ، ابویوب انصاری ، جریر بن عبدالله ، زید بن ارقم ، زید بن ثابت ، سعد بن ابی وقاص ، سعد بن عباده ، ابوسعید خدری ، سلمة بن عمرو ، سلمان ، ابوامامه باهلی ، عامر بن وائله ، ابن عباس ، عبدالرحمن عوف ، عبدالله بن ثابت ، عبدالله بن عمر : عثمان ، عدی بن حاتم ، عمار یاسر ، عمرو عاص ، قیس بن سعد ، عمر بن خطاب ، ابوبرزقه اسلمی ، زبیر ، طلحه ، رفاعه بن منذر ، عامر بن لیلی ، عبدالله بن بدیل ، عبدالله بن ربیعہ ، عایشه ام المؤمنین عبدالله بن مسعود ، عقبه بن عامر ، سمره بن جندب ، سعد بن زید عدوی و ...

راویان غدیر از تابعین

ابوراشد حبرانی - ابوسلیمان مؤذن ، اصبع بن نباته ، ابولیلی کنندی . حارثه بن نصر ، حکم بن عتیبه ، ریاح بن حارث ، زید بن شیع ، سالم بن عبدالله بن عمر ، سعید بن جبیر ، سعید بن مسیب ، سعید بن وهب ، سلمه بن کهیل ، شهر بن حوشب ، طاووس یمانی عمرو بن جمده ، ابواسحاق سبعی ، ابوبکر مخزومی ، مطلب بن عبدالله ، یزید بن حیان کوفی و ...

راویان غدیر از علما

حافظ ابوهشام ضبی ، حافظ عرزمی ، حافظ ابن اسحاق ، حافظ واسطی ، حافظ ابو عبدالرحمن مصری ، حافظ ابو عمرو سلمی ، حافظ محمد بن فضیل ، حافظ ابو محمد هلالی ، حافظ ابوهشام خازفی ، حافظ ابو زکریای کوفی ، حافظ ابو عمرو فزاری ، حافظ مصعبی حافظ صنعانی ، حافظ عبدی مروزی ، حافظ یحیی شیبانی ، حافظ فضل بن دکین ، حافظ ابو عثمان صفار ، حافظ طنافسی ، حافظ حزامی ، حافظ ابن راهویه ، حافظ ابوالحسن نیشابوری ، حافظ احمد بن منصور ، حافظ ابو قلابه رقاشی ، حافظ ابوبکر خطیب بغدادی ، حافظ ابوبکر بیهقی ، حافظ فراء بغوی ، قاضی عیاض ، حافظ سمعانی . حافظ مدینی ، حافظ ابن اثیر ، احمد حنبل ، شافعی محمد بن ادريس ، قرطبی ، تاج الدین بغدادی ، ابوالسعادات شیبانی ، یساقوت حموی ، ضیاء مقدسی ، نووی ، ابن ابی الحدید ، گنجی شافعی ، محب طبری ، سعیدالدین فرغانی ، علاء الدین سمنانی ، شمس الدین ذهبی ، ابن جابر اندلسی ، سعیدالدین کازرونی ، قاضی ایچی ، ابن خلدون

ابن خلکان ، وشتانی ، بلاذری ، ابن جریر طبری ، شریف جرجانی ، قاضی باقلانی
 طحاوی ، ابن زولاق مصری ، ابوالفتح شهرستانی ، قرمانی ، بنهانی ، ابن الجزری
 نجم‌الدین اذرعی ، ابن حجر عسقلانی ، ابن حجر هیثمی ، سنوسی ، متقی هندی ، حافظ
 ابن ربیع ، شهاب خفاجی ، عبدالحق دهلوی ، برهان‌الدین شبرخیتی ، عبدالعزیز عمری
 (دهلوی) ، حامد عمادی ، شمس‌الدین مصری ، شهاب‌الدین حفظی ، زبیدی ، ابوالعرفان
 صبان . رشیدالدین دهلوی ، قاضی شوکانی ، حافظ نسایی ، حافظ ، ابویعلی ، محمد
 بن اسماعیل بخاری ، (در تاریخ زینی) دملان مکی ، شبلنجی مصری ، خواجه کلان
 بلخی ، آلوسی ، محمد بن درویش الحوت بیروتی ، شیخ محمد عبده ، شیخ محمد شنیطی
 مقریزی ، ابن ماجه ترمذی صاحب صحیح ، ابن مندۀ اصفهانی ، شیخانی ، قسطلانی ،
 حافظ ناصرالسنه حضرمی ، ابن‌الشیخ بلوی ، دولابی ، احمد زکزی مصری ، رافعی
 مصری ، دکتر احمد فرید رفاعی ، استاد احمد نسیمی مصری و . . . (۱)

اینجاست که محمد عبدالغنی حسن مصری شاعر اهرام و مولف « اعلام من الشرق »
 در تقریظ « القدیر » میگوید : حدیث غدیر در صحت و تواتر و استحکام سند بیابیه‌ای
 رسیده است که نیاز باثبات و تأیید ندارد .

لذا مؤلف جلیل از اینکه فصلی را به بحث درباره اسناد غدیر اختصاص دهد بی
 نیاز بود ، زیرا هیچ چیز در اذهان صحیح نخواهد بود هنگامی که روز نیازمند
 بدلیل باشد .

و اینجاست که عبدالفتاح عبدالمقصود مصری نویسنده دانشمند و استاد دانشگاه
 اسکندریه در تقریظ (القدیر) میگوید :

حدیث غدیر بدون شك حقیقتی است که دستخوش باطل واقع نمیشود ، فروزان
 است ، درخشان است چون روشنائی روز و آن یکی از حقایق جوشنده الهام است
 که از سینه پیامبر (ص) براکنده گشت . . .

انعکاس غدیر در تاریخ اسلام

جریان روز غدیر با آن مراسمی که برگزار شد ، و اهتمام و توجهی که پیامبر
 عزیز (ص) از خود نشان داد ، و آیاتی که نازل گشت و بیعتی که در حضور نبی اکرم ص
 باعلی بن ابیطالب «ع» انجام شد ، اهمیت این روز را کاملاً وانمود کرد و مقصود پیامبر (ص)
 را برای توده مسلمین روشن ساخت ، لذا پس از درگذشت پیغمبر بسا اینکه جریان

۱ - برای اطلاع از شرح حال این دانشمندان و کتب آنان و صفحاتی که حدیث

غدیر را در بر دارد بجلد اول « القدیر » مراجعه کنید .

اوضاع تغییر کرد و افکار ضد غدیر گسترش یافت و مسیر تاریخ فضیلت منحرف گشت و رنجهای تربیتی گذشتگان نادیده انگاشته شد، باز مسلمین پایدار که گفتار پیامبر را از طرف خدا میدانستند و بنبوت او کاملاً کردن نهاده بودند، حاضر نمی شدند از خواسته رسول اکرم دست بردارند و گوش خود از آن آهنگ مقدس که هنوز طنینش در دره های غدیر باقی بود بگری بزنند، لذا در موارد مناسب بساحتجاج و استدلال و یاد آوری غدیر میپرداختند و حدیث غدیر را بفرزندان اسلام میآموختند، حتی در ابتدای کار نیز بازمینه سازیهای غیر الهی سقیفه مخالفتهای شدید کردند و خلاصه همیشه نوسانات و امواج غدیر در صفحات تاریخ مشهود بود و همین بود که بعدها نیز ملل اسلامی را بمقصود پوشیده شده نبی اکرم توجه داد و معنی خلافت حقیقی اسلام را معلوم کرد و در توسعه عالم تشیع اثری بسزا گذاشت، موضوع احتجاج بحدیث غدیر دارای اهمیت فوق العاده بی است که خود امام و سایر شخصیتهای اسلامی بارها بدان اقدام کرده اند رجوع کنید به القدير ج ۱ ص ۱۵۹ - ۲۱۳

معنی « مولى »

در این قسمت سخن با ادبا و فضیلتی است که روی موضوعات ادبی کار کرده اند، و حس ادراک و تفاهم لغوی آنان نیرومند است، و این بحث اگر چه جنبه فنی بخود گرفته ولی بخشی است زاید که عکس العمل جدلسرابی چند تن از متکلمین بیکاراست ولی ما برای تمام سنجیدن جوانب موضوع بدان پرداخته میگوئیم:

پس از گذشتن قرنها از روز غدیر، پس از اینکه در آن اجتماع عظیم همه حاضرین از کلمه «مولى» در خطبه غرای پیامبر «ص» امامت و اولویت و رهبری را درک کردند و در حضور پینمبر همه با علی بر این مقام شامخ بیعت کردند، پس از اینکه حسان بن ثابت شاعر مشهور عرب از این لفظ معنی پیشوایی را فهمیده و در شعر خود سرود، پس از اینکه هر روز در محافل اسلامی بحدیث غدیر احتجاجها میشد پس از اینکه جمع فراوانی از علمای سنت روز غدیر را روز نصب امام و خلیفه قرار دادن دانسته و بدان تصریح کردند «۶» پس از اینکه موضوع پایمال شدن مقاصد غدیر و حق علی ع همواره بین مردم مطرح میشد، و در سراسر بلاد اسلام باز گومیکشت و در تاریخ موضوعی روشن تلقی گردید و تا آنجا مسلم بود که مظاهر حزن انگیز طبیعت نمونه بی از این محرومیت و مظلومیت عجیب بشمار رفت و بیابان پیامیان در میان راهها و دشتهای این سخن را با یکدیگر میگفتند، پس از اینکه معاویه در جواب نامه محمد بن ابی بکر نوشت ما همان وقت که بدرت زنده بود فضل پسر ابیطالب را

شناخته و حق او را بر خود لازم میدانستیم که نیکو رعایت کنیم ، ولی هنگامی که پیغمبر درگذشت پدر تو و فاروقش اول کسی بودند که حق علی را گرفتند و در امر او مخالفت کردند و در این کار با هم اتفاق و اتحاد نمودند . . . و اگر نبود آنچه پدرت پیش از این انجام داد ما با علی بن ابیطالب مخالفت نمیکردیم و امر را باو تسلیم مینمودیم لکن دیدیم پدرت این کار را نسبت باو انجام داد ما هم بروش او رفتیم . . . » ۱

پس از اینکه عمر باین عباس گفت : همانا علی میان شما بود و اوزمن و ابی بکر باین امر اولی بود و نیز گفت : ای ابن عباس فکر میکنم علی مظلوم واقع شد < ۲ >
پس از اینها همه - یکی از متکلمین شبهه‌بی که هیچ موضوع نداشت القا -

کرد که مقصود از مولی دوست یا ور ، پسر عمو و امثال آن است ، بعد از چند تن از متکلمین جدلسرای خیال‌باف که مانند وی از تزییع عمر بشر و انحراف افکار و پایمال کردن حقایق و خفه کردن ندای سعادتبخش پیامبر باکی نداشتند بی این شبهه را گرفتند و گمان کردند حقیقتی روشن را که قرن‌ها بر وقوع و تاثیر و انعکاس آن گذشته و همه میدانستند که موضوع مسلم است ولی بدان عمل نشده میتوانند او را گون کنند و برای کسانی که از دستور پیغمبر سرباز زدند عذری بسازند ، باید باینسان گفته شود بزرگواران ! کدام لغت است بخصوص زبان عرب که دارای چند معنی نباشد ؟ و کجاست که اگر لغت دارای معانی چندی شد از بکار بردن آن اجتناب ورزند آیا در تمام سخنهایی که بزرگان تاریخ و اساتید علوم در مقام معرفی شخصیت‌های برجسته گفته‌اند میتوان يك کلمه مشترك را گرفت و مرتب اشکال تراشی کرد ؟ و آیا کدام معنی مناسب خطبه کذایی غدیر و آن شرایط است ؟

مامون عباسی بدانشمندان مجلس خود گفت این موضوع که به بچه‌بی روا نیست نسبت داده شود چطور پیغمبر نسبت میدهد که مرادش از مولی در آن هنگامه پنهانور و با آنهاهمه مقدمات پسر عمو و امثال آن باشد ؟ < ۳ >

باری این اشکال کنندگان نه عرب بوده اند و نه حق قضاوت در لغت عرب داشتند و در برابر طبیعت جمله ، و درك عمومی فصحا و شعرا ، و قرائن مقالی و مقامی و تصریح لغت دانان بزرگ و کارشناسان زبان عرب بگفته آنان گوش فرا داده نمیشود ، و این موضوع که مربوط به بحثی لغوی است از اشخاصی غیر فنی و غیر عرب امثال

۱ - مروج الذهب ج ۳ ص ۲۲ چاپ سوم ، مصر

۲ - الفدیر ج ۷ ص ۸ - الفدیر ج ۱ ص ۲۲

عبدالحق دهلوی ، قاضی ایچی ، سناعاله پانی پتی ، کابلی مولف صواقع و فخر رازی پذیرفته نمیگردد و فخر رازی که الفاکننده این شبهه است کافی است درباره معلوماتش راجع بلغت این سخن ابن شحنه حنفی مورخ معروف اهل سنت را نقل کنیم که میگوید : او در علوم ید طولایی داشت جز در ادبیات عرب (۱) و نیز ابوحنیان در تفسیر خود میگوید : تفسیر فخر رازی از روشها و مقاصد کلام عرب خارج است (۲)

علامه امینی در مورد معنی مولی نیز باتتبع و پیگیری ویژه خود بحث را پیش آورده و حقایق سر شار و قرائنی بسیار و ادله بی محکم در شصت صفحه (ج ۱ ص ۳۴۰ - ۴۰) نگارش داده است ، و بیش از چهل نفر از علمای اهل سنت و مفسرین سلف و لغویان را نام برده که مولی - را بمعنی - اولی دانسته اند که مسا چند تن از آنان را نام میبریم تا کسانی که با تاریخ ادبیات عرب آشناوند به بینند که در میان آنان شخصیتهایی وجود دارند که مأخذ فرهنگهای عربی میباشدند

یحیی فراء ، ابو عبیده ، ابو العباس ثعلب ، ابو زید بن اوس ، اخفش اوسط سعید بن مسعود ، محمد بن سائب کلبی ، بخاری صاحب صحیح ، ابو الحسن رمانی ، ابو بکر انباری ، ابن قتیبه ، محمد بن ابی بکر رازی ، مولف (مختار الصحاح) شهاب الدین خفاجی ، حمزوی ، حسین بن مسعود فراء ، زمخشری ، ابوالبقا عکبری ، خطیب تبریزی شارح (حماسه ابی تمام) ، جوهری مولف (صحاح اللغه) ابوالعباس مبرد ، و جمعی دیگر نیز از قبیل : ابن حجر عسقلانی تفتازانی ، خاسان بغدادی ، ثعلبی ، بیضاوی ، شریف جرجانی عبدالرحیم و رشید النبی شارح (معلقات) نسفی ، نیشابوری ،

و

از همه روشن تر داستان شعرای غدیر است که فهم و استعمال آنان حجت است چه عمده شخصیتهای برجسته و پشتوانه های ادبیات و شعر عربند و بترتیب قرون اسلامی غدیریات و شرح حالشان در مجلات الغدیر گرد آمده است :

حسان ثابت ، محمد بن عبدالله حمیری ، کمیت بن زید اسدی ، سید حمیری ، ابوتمام طایی ، دعبل خزاعی ، حمدانی کوفی ، ابو فراس حمدانی ، شریف رضی ، شریف مرتضی ، عبدی کوفی ، حسین ابن حججاج ، ابن الرومی ، ابو الفتح کشاجم ، صنوبری ، مفتح ، صاحب بن عباد ، ناشی صغیر ، ابن حماد ، ابن طباطبا ، ابی الفرج ، مهیار دیلمی ، صولی ، ضنجرودی ، ابوالعلائی سروی ، ابوالعلائی معری ، صفی المدین حلّی ، عونّی ، ابو حامد انطاکی ، قاضی تنوخی و . . .

۱ - روض المناظر حوادث سال ۶۰۶ الغدیر ج ۱ ص ۳۵۷

۲ - تفسیر ابوحنیان ج ۴ ص ۱۴۹ ، الغدیر ج ۱ ص ۳۵۷

واکنش مخالفت با غدیر در « نهج البلاغه »

مخالفت شدید با اهل سقیفه را علمی علیه السلام کاری شایسته و بصلحت اسلام نمیدید، و روی مصالحتی که تا حدودی روشن است از اقدام جدی علیه آنان خودداری میکرد، ولی علی بن ابیطالبی که میگوید من زندگی را نمیخواهم مگر برای اقامه حق و دفاع از مظلوم، علی بن ابیطالبی که جهان را برای نشر عدالت و تربیت صحیح انسانها میخواهد، علی بن ابیطالبی که باید تمام فعالیتهاى مقدس مریشان بزرگ بشر را بشر برساند چطور نسبت باین انحراف ۰۰۰ و تغییر حکم و حی ساکت میماند، و چگونه مقاصد اساسی غدیر را ناچیز میانگارد، لذا بسا توان عجیبی که خاص مقام امامت او بود نسبت بآنهمه تجاوز و تعدی شکیبایی میکرد، ولی پیوسته بیادغدیر بود و گفتار پیامبر را در آنروز، در مجامع اصحاب تکرار میکرد و از آنان گواهی میخواست، و بی بنیانی خلافت دیگران را گوشزد مینمود، در مسجد پیغمبر، و رجه کوفه، و روز شوری، و موارد بسیاری غدیر را مطرح کرد، و در سالی که جمعه با عید غدیر (مانند امسال) یکی شده بود خطبه بی بس رسا خواند، و توحیدی عجیب گفت، و سپس دراهمیت غدیر داد سخن داد، و گفت « در این روز و عید بزرگ است که قوام یکی بدیگری است » یعنی باید اسلام و شعائر آن با سرپرستی پیشوایی عدالتخواه آمیخته گردد تا سعادت دو جهان همه تامین یابد، بالجمله در مورد پافشاری روی غدیر و تعریض به افکار ضد غدیر امام بسی سخنها گفته است، گر چه انتساب خطبه ششقیه را بامیرالمؤمنین ع علامه امینی با ۲۸ مدرک از خط شناسان و سخن شناسان و تاریخ کتبات نسخه ها بثبوت رسانیده است ولی بیش از ۳۰ مورد دیگر در نهج البلاغه وجود دارد که واکنش مخالفت با غدیر را در نظر علی (ع) معلوم میکنند ماحق جویان را بمطالعه و تأمل کامل در کلام خود امام توصیه میکنیم .

دکتر رسا

از سخنان علی (ع)

ان الدنيا والاخرة كرجل له امر اتان اذا ارضى احديهما اسخط الاخرى

بشنو از شاه اولیا حیدر

سخنی دلپذیر و جان پرور

به دوزن در سرای یک شوهر

بچه دنیا و آخرت مانند

خشم گیرد بر او زن دیگر

گریکی زن دورا کند خوشنود